

یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱

Mehdi_samee@yahoo.com

و این که با «برنده شدن مردم مسلمان در واقع اسلام برنده شد» چماق تهدید را بلند کرد و گفت: «تحریم انتخابات، تحصن، جلب انگیزه های سیاسی، تلاش برای بازداشت شدن به انگیزه های سیاسی، افشاگریهای کاذب و شایعه سازیها از دیگر اقداماتی است که به براندازی نرم کمک می کند.»

در حرفهای این وزیر سرکوبگر چاقق بسیاری نهفته است. امروز هر حرکت از جانب مردم از آن جا که با سد ولی فقیه مواجه می شود و از آن جا که مردم در هر گام پی می برند که تنها راه رهایی آنها در این مرحله و در گام اول برداشتن مانع ولایت فقیه است، پس این حرکت در جهت براندازی سیر خواهد کرد. و چون جمهوری اسلامی بدون محور ولایت فقیه معنی و مفهومی ندارد، از این رو و با توجه به بحران عمیقی که نظام با آن روبروست، وزیر اطلاعات به همه ای جناحها و باندها هشدار می دهد. اما نکته مهم این است که گرچه ولایت فقیه محور نظام است و جمهوری اسلامی بدون ولی فقیه معنی و مفهومی ندارد، اما همین نهاد به علت خصلت استبدادی و مذهبی اش و نیز به علت ضد تاریخی بودن آن، خود عامل شکاف و تشدید تضادهای درونی حکومت است.

کمر از دو ماه مانده به نمایش انتخاباتی و حدود ۲۰ روز به ثبت نام داوطلبان برای پست تدارکچی نظام و بحران و تشدد در تمامی جناحها و باندهای حکومت خود را به نحو روشن نشان می دهد. تفاوت این دوره با دوره های قبل در این است که در این دوره در جناح ولی فقیه تفرقه غیر قابل کنترل وجود دارد.

روزنامه شرق در چهارشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۸۴ از زبان علی اکبر ولایتی نوشته «شورای هماهنگی محافظه کاران به بن بست رسیده است.» به نوشته این روزنامه مشاور بین المللی خامنه ای این اظهارات را بعد از شرکت در جلسه ای بیان کرده که به دعوت حدادعادل «برای نجات محافظه کاران از تفرقه تشکیل شده بود.»

روزنامه ایران نیز در همان روز در صدر اخبار خود از زبان ولایتی نوشته که: «وی به راه خود خواهد رفت و شورای هماهنگی راه دیگری را برگزیده است.»

این روزنامه خبر داده که در جلسه نامزدهای محافظه کار در دفتر حدادعادل پیمان نامه ای به امضای احمد توکلی، محسن رضایی، محمد باقر قالیباف و احمد احمدی نژاد رسیده که قبول می کنند که نامزد نهایی

محافظه کاران در یک نظرسنجی انتخاب شود تا دیگران به نفع وی کنار بروند.

ایران می نویسد که که: «علی لاریجانی و علی اکبر ولایتی، دو نامزد اصلی محافظه کاران از امضای این پیمان نامه خودداری کرده اما قول داده اند به آن عمل کنند.»

محمدرضا باهنر نایب رئیس مجلس ارتجاع، رئیس فراکسیون طرفداران ذوب در ولایت در مجلس و عضو کمیته تصمیم گیری در «شورای هماهنگی نیروهای انقلاب» عصر روز دوشنبه ۲۹ فروردین ۱۳۸۴ در مراسمی که از طرف این شورا و با حضور اعضای فعال آن در مسجد نور تهران برگزار شد در باره چگونگی تشکیل این شورا گفت: «تاریخچه تشکیل شورای هماهنگی به بعد از حوادث تلخ سال ۷۸ و جو ناامیدی و یاسی که در بخشی از بدنه حزب الله، بعد از آن حوادث ایجاد شد، باز می گردد که سپس ازسوی رهبری به آنان توصیه شد نیروهای متدین، اصولگرا و باورمند به جمهوری اسلامی تلاش کنند تا در بین خود وحدت ایجاد کنند.» (خبرگزاری مهر)

وی سپس نیروهای خودی را کسانی می داند که: «معتقد به ۴ اصل اسلام، نظام جمهوری اسلامی با قوانین کنونی، خط امام و محوریت رهبری در انقلاب» باشند.

محمدرضا باهنر با بیان اینکه احساس کردیم دیگر صبر کردن جایز نیست، گفت: «با مجموعه نظرسنجیها و اقدامات انجام شده، دکتر لاریجانی انتخاب شد. لاریجانی دارای خصوصیت‌های فردی، اعتقادی و خانوادگی خاصی است و اعتقاد مقام معظم رهبری به ایشان و کارآمدی دکتر لاریجانی بر همگان مشخص است که البته بعضیها به دنبال آنند که در مسئولیتهایی که دکتر لاریجانی داشت، چالش و بحث ایجاد کنند که با فرمایشات مقام معظم رهبری در مورد دکتر لاریجانی و کارآمدهای ایشان، همه چیز روشن می شود.»

باهنر با این توصیفها از پاسدار علی لاریجانی به طرفهای مقابلش و منجمله به هاشمی رفسنجانی می خواهد این پیام را برساند که لاریجانی کاندیدای مورد حمایت خامنه ای می باشد که تنها باید با یک «یا حسین» گفتن کار انتصاب تدارکچی نظام را خاتمه داد.

وی می گوید: «مجموعه نظرسنجیها نشان می دهد که وضع دکتر لاریجانی در میان سایر کاندیدها بسیار خوب است و فقط نیاز به یک یاحسین دارد و باید یک حرکت همگانی جدی صورت گیرد.»

فراغوش نمی کنیم که پاسدار علی لاریجانی که عنوان دکتر را با خود یدک می کشد در گذشته معاون وزیر

سپاه و جانشین فرماندهی کل سپاه بوده است.

باهنر سپس با بیان این که: «هاشمی چه در آراء مثبت و چه در آراء منفی رتبه اول را دارد» به هاشمی رفسنجانی به زبان آخوندی هشدار می دهد که اگر در مقابل کاندیدای ولی فقیه قرار گیرد، آرای منفی او را برجسته خواهند کرد.

اما هاشمی رفسنجانی تا کنون همان نقش استخوان لای زخم را برای بیت ولی فقیه بازی کرده و تنها بر افزایش اعتقادش برای کاندیدا شدن تأکید می کند و البته همزمان فعالیت تبلیغاتی خود را حتی در خارج از کشور سامان داده و به نوشته روزنامه اقبال در شماره روز دوشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۸۴ «ستاد های انتخاباتی هاشمی رفسنجانی در باکو، ارمنستان و آمریکا فعال شده است.»

روز ۱۱ فروردین خبرگزاری دولتی کار به نقل از پایگاه اطلاع رسانی «اتلاف» نهم برای فردای بهتر» که گفتگوی مفصلی با رفسنجانی را منتشر کرده از قول وی نقل می کند که: «بارها نیز متذکر شده‌ام تمایلی به حضور در این عرصه نداشته‌ام و همواره امید داشته‌ام که نیروهای جوانتر بتوانند این مسئولیت خطیر را در این شرایط حساس داخلی و خارجی بر عهده بگیرند و همواره نیز بر این مهم تأکید نموده‌ام. ولی با توجه به شرایط خاص مملکتی و اعلام کاندیداهای مختلف، هنوز به تصمیم نهایی نرسیده‌ام اما اعتقاد من برای حضور در انتخابات افزایش یافته است.»

خبرگزاری دولتی فارس طی خبری در روز سه شنبه ۲۳ فروردین ۱۳۸۴ اعلام کرد که: «رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به دعوت جمعی از بانوان عضو مجمع متخصصین ایران جهت کاندیداتوری گفت: با توجه به شرایط، احساس می کنم وظیفه من بسیار جدی و سنگین است.»

به گزارش خبرگزاریهای دولتی روز پنج شنبه ۲۵ فروردین رفسنجانی طی سخنانی در «اولین کنگره راهبردی انتخاباتی دفتر تحکیم وحدت در حسینیه جماران» گفت: «دلواپسیهای موجود موجب شده است تا آمدنم در عرصه انتخابات ریاست جمهوری جدی تر شود.»

هاشمی رفسنجانی با بیان این مطلب که: «در صورت پایین بودن رای یک رئیس جمهوری، معرفی کردن وی به عنوان نماینده مردم مشکل خواهد بود.» به زبان آخوندی بر مخالفت خود با کاندیدای خامنه ای تأکید کرد. حرف رک و صریح رفسنجانی به خامنه ای این است که «کوتوله سیاسی» را معرفی نکنند. در حقیقت او علی لاریجانی را به عنوان تدارکچی نظام نمی تواند قبول کند.

در جلسه تبلیغاتی روز یکشنبه ۲۸ فروردین پاسدار علی لاریجانی، دانشجویان دانشگاه شهرکرد با پلاکاردهائی او را «سانسورچی» و «سرکوبگر آزادی» نامیدند و بدین ترتیب قبل از آن که این مزدور خامنه ای به قدرت برسد، دانشجویان با او تعین تکلیف کردند.

با توجه به حرفهای باهنر و مانورهای رفسنجانی و حرفهای وزیر اطلاعات می توان این نتیجه را گرفت که وقتی خامنه ای در پیام نوروزی خود سال ۱۳۸۴ را سال «همبستگی ملی و مشارکت عمومی» اعلام می کند، در حقیقت در صدد است تا با حذف رقبای درونی به آرزوی خود برای یکپارچه کردن ولایتش جامه عمل بپوشاند. همگان می دانند که کلماتی همچون «همبستگی» و «ملی» همواره مورد لعن و طعن خمینی جبار و شاگردان او همچون خامنه ای بوده است. اما تفاوت این دو در این است که خمینی با همه جبار و مستبد بودنش، هیچگاه سعی در حذف دست نشانگان خود نکرد. در حالی که خامنه ای با توجه به این که هیچگاه قادر به اعمال اتوریته ای مثل خمینی نیست، همواره در تلاش برای یکدست کردن ولایتش می باشد. اگر او بر علی لاریجانی تأکید کند و به هر نحو ممکن او را به مسئولیت تدارکچی نظام منصوب کند، به آرزویش دست یافته تا با مشت کوتوله های سیاسی و پاسداران سرکوبگر سیاست مداخله در امور عراق و تلاش برای دستیابی به سلاح اتمی را بدون شکاف ادامه دهد.

این سیاست را مصطفی تاج زاده در مقاله ای در روزنامه اقبال در روز دوشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۸۴ با نقل گفته های علی لاریجانی و محمود احمدی نژاد این گونه توضیح می دهد که: «اقتدارگراها با عنوان پیروی از ولایت قصد دارند با حذف نیروهای دیگر فضای کشور را نظامی و امنیتی کنند و از جمله صدا و سیما را مبلغ خشونت آخر زمانی سازند.»

اکنون سوال اساسی این است که آیا خامنه ای خواهد توانست به هدف خود دست یابد و یا با تن دادن به خواست رقبای درونی این نمایش ضد دموکراتیک را برگزار خواهد کرد. زمان زیادی برای یافتن پاسخ این سوال لازم نیست. گرچه از هم اکنون باید در توانایی ولی فقیه برای به کرسی نشاندن پاسدار لاریجانی تردید کرد، اما آن چه مهمتر است این است که مردم ایران دیگر وارد این جدال درون حکومتی نخواهند شد و با استفاده از همه ی امکانات و با تحریم نمایش انتخاباتی مسیر نابودی نظام ویرانگر ولایت فقیه را طی خواهند کرد. نرم یا سخت، این راه طی خواهد شد.